

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بيع مصحف

تأليف

هادی نجفی

ترجمه

محمد جعفر قدیری

| | |
|---------------------|---|
| سرشناسه | : نجفی، هادی، ۱۳۴۲ - |
| عنوان قراردادی | : الآراء الفقهیه قسم المکاسب المحرمه. فارسی. برگزیده |
| عنوان و نام پدیدآور | : بیع مصحف/ تالیف هادی نجفی؛ ترجمه محمدجعفر قدیری. |
| مشخصات نشر | : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸. |
| مشخصات ظاهری | : ۵۹ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.. |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۸۹-۳ |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیپا |
| یادداشت | : کتاب حاضر ترجمه قسمت بیع مصحف از کتاب «الآراء الفقهیه قسم المکاسب المحرمه» می باشد. |
| موضوع | : بیع قرآن (فقه) |
| موضوع | : * Qur'an sales (Islamic law) |
| موضوع | : معاملات (فقه) |
| موضوع | : * Transactions (Islamic law) |
| شناسه افزوده | : قدیری، محمدجعفر، ۱۳۳۵-، مترجم |
| رده بندی کنگره | : BP۱۹۰ |
| رده بندی دیویی | : ۲۹۷/۳۲۷ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۶۰۵۵۷۶۶ |

| | |
|----------------|--------------------------|
| نام کتاب | : بیع مصحف |
| ناشر | : چتر دانش |
| مؤلف | : آیه الله شیخ هادی نجفی |
| مترجم | : محمدجعفر قدیری |
| نوبت و سال چاپ | : اول - ۱۳۹۸ |
| شمارگان | : ۱۰۰۰ |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۸۹-۳ |
| قیمت | : ۳۰۰۰۰ تومان |

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثار ی همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

| | |
|----|--|
| ۳ | سخن ناشر |
| ۵ | مقدمه |
| | بیع مصحف/۷ |
| ۷ | کلمات فقهاء |
| ۷ | قول به حرمت |
| ۱۱ | قول به کراهت |
| ۱۲ | روایات |
| ۱۲ | گروه اول: روایاتی که بر حرمت بیع مصحف دلالت دارد: |
| ۱۶ | گروه دوم: روایاتی که بر جایز بودن بیع مصحف دلالت دارند |
| ۲۱ | نقدی به استاد <small>تبریزی</small> |
| ۲۲ | مؤیداتی و نقد آن |
| ۲۵ | مقصود از حرمت بیع مصحف چیست؟ |
| ۲۹ | مسئله اول: جایز بودن گرفتن دستمزد برای نوشتن خط قرآن کریم |
| ۳۳ | مسئله دوم: حکم تعشیر مصحف |
| ۳۶ | مسئله سوم: آیا کافر مالک مصحف می‌شود؟ |
| ۳۸ | مسئله چهارم: خریدن مصحف توسط کافر |
| | دلیل اول: فحوی آنچه دلالت می‌کند بر این که کافر مالک عبد مسلمان نمی‌شود |
| ۴۱ | دلیل دوم: روایت نبوی مشهور «الإسلام یعلو ولا یعلی علیه» |
| ۴۳ | دلیل سوم: خرید مصحف توسط کافر موجب هتک و استخفاف آن است |
| ۴۴ | دلیل چهارم: بیع مصحف توسط کافر مستلزم نجس شدن آن است |
| ۴۵ | مسئله پنجم: حکم بیع قسمت‌هایی از مصحف |
| ۴۶ | مسئله ششم: آیا کتب حدیث نیز به مصحف ملحق می‌شود؟ |
| | مسئله هفتم: آیا نام پیامبر اکرم <small>ص</small> و خاندانش <small>علیهم السلام</small> به احادیث ملحق می‌شود؟ |
| ۴۸ | |
| ۵۰ | مسئله هشتم: هبه مصحف |
| ۵۱ | مسئله نهم: مراد از هدیه در معامله مصحف چیست؟ |
| ۵۲ | مسئله دهم: آیا خیار عیب در خط مصحف ثابت می‌شود؟ |
| ۵۵ | منابع |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله الذي أنزل القرآن على عبده والصلاة والسلام على صاحب القرآن خاتم الأنبياء والمرسلين محمد المصطفى وعلى وصيه وخليفته -بلافصل- أمير المؤمنين علي بن أبي طالب والأحد عشر من ولده الأئمة المعصومين المفسرين للقرآن ولا سيما على خاتمهم المهدي المنتظر.

آنچه در این رساله می‌خوانید بحثی است پیرامون خرید و فروش قرآن کریم که برگردان مسأله بیع مصحف^۱ در کتاب دائرة المعارف الآراء الفقهية^۲، تألیف صاحب این قلم می‌باشد که توسط جناب آقای مهندس محمدجعفر قدیری حفظه الله - از شاگردان مرحوم والد^۳ می‌باشند و فرزند مرحوم آیه‌الله آقای حاج شیخ علی قدیری اصفهانی^۳ - به فارسی برگردانده شده و توسط اینجانب

۱. الآراء الفقهية، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۶۷.

۲. این کتاب از اول بحث مکاسب محرمه تا پایان بیع به مدت ۱۷ سال در حوزه علمیه تدریس و تاکنون در ۹ جلد منتشر شده است.

۳. آیه‌الله حاج شیخ علی قدیری فرزند نصرالله بن قاسم بن مولی علی بن محمد بن قدیر کفرانی رویدشتی اصفهانی، عالم فاضل مجتهد معاصر در ۶ فروردین ۱۲۹۲ش در روستای کفران از توابع منطقه رودشت بخش بن‌رود شهرستان اصفهان متولد گردید و در این شهر نزد حضرات آیات: سید محمد

نیز تصحیح گردیده، خدمت علاقه‌مندان به فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) تقدیم می‌شود.

به این امید که مرضی مولایمان صاحب العصر و الزمان (علیه‌السلام) قرار گیرد. ان شاء الله تعالی.

۵ ربیع الأول ۱۴۴۰

۱۲ آبان ماه ۱۳۹۸

اصفهان - هادی نجفی

نجف‌آبادی، میر سید علی مجتهد نجف‌آبادی، شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی و حاج شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی و در نجف خدمت اساتید و آیات عظام از آن جمله: سید ابوالحسن اصفهانی تحصیل نموده و با کسب اجازه اجتهاد از حضرات آیات: سید جمال‌الدین موسوی گلپایگانی و شیخ محمداکرم شیرازی و سید محمود شاهرودی در حدود ۳۳ سالگی به ایران مراجعت نموده و در قم در درس آیة‌الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی نیز حاضر شده و پس از سالیانی چند اقامت در قم به اصفهان مراجعت کرده و به وظائف و شئون روحانیت از تدریس و ارشاد و موعظه و امامت در مسجد «الهدای» (واقع در خیابان سید علی‌خان) پرداخته و سرانجام پس از یک بیماری نسبتاً طولانی در شب سه‌شنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۴۰۷ ق مطابق با ۲۳ دی ۱۳۶۵ ش در اصفهان وفات یافته و در حجره مجاور درب جمهوری اسلامی واقع در صحن آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها در قم مدفون گردید. «حاشیه بر وقایع الأذهان» ناتمام از تألیفات اوست. مرحوم آیة‌الله حاج سید علی میرمحمدصادقی (م ۱۳۹۰ ش) در مرثیه‌ای ماده تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

ای منیری رسم کن تاریخ فوت آن فقیه:

«چون به جنت آیة‌الله قدیری آمده»

۱۳۶۵ ش

(تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۲۸، رقم ۴۹؛ نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۲۰۴، رقم ۱۷۳۰ (ذیل شرح حال شیخ عبدالله کفرانی اصفهانی متوفی ۱۳۱۷ ق در نجف، نامبرده عموی پدر مرحوم آیة‌الله حاج شیخ علی قدیری می‌باشد.)؛ تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۱۷۷؛ اعلام اصفهان، ج ۴).

بیع مصحف^۱

کلمات فقهاء

مشهور بین فقها آن است که خرید و فروش مصحف^۲ حرام می‌باشد و برای مطالعه خوانندگان برخی از کلمات فقهای عظام را نقل می‌کنیم:

قول به حرمت

۱- شیخ طوسی فرموده است: «خرید و فروش مصحف و کسب درآمد از این کار اشکال ندارد ولی خرید و فروش متن نوشته شده قرآن کریم جایز نیست بلکه می‌توان جلد و ورق‌های مصحف را معامله کرد اما در مورد سایر کتب غیر از مصحف، معامله آنها مطلقاً

۱. در کتاب لغت قاموس، ج ۳، ص ۱۶۱، در مورد کلمه مصحف آمده که میم آن به سه اعراب فتحه، کسره و ضمه خوانده می‌شود، و در مصباح منیر، ص ۳۳۴ و مجمع البحرین، ج ۵، ص ۷۸ آمده که قرائت به ضم میم مشهورتر است، و صغانی از تغلب نقل کرده که با فتحه لغت صحیح و فصیح است، و چنین است در کتاب مفتاح الکرامه، ج ۱۲، ص ۲۷۵. و همچنین در این کتاب است که مصحف جمع صحیفه است و صحیفه قطعه‌ای از پوست یا کاغذ است که در آن نوشته شود.

۲. مصحف در بیان فقها به معنای چیزی است که قرآن کریم بر آن نوشته شده است و چون در این معنا مصحف معادل فارسی ندارد، در ترجمه نیز از کلمه مصحف استفاده شده است.

اشکال ندارد و هم می‌توان جلد و اوراق کتاب را معامله کرد و هم می‌توان متن کتاب را مورد خرید و فروش قرار داد»^۱.

۲- ابن ادریس حلی بیع مصحف را جزو کسب‌های حرام قرار داده و گفته است: «خرید و فروش مصحف در صورتی که قرآن کریم در آن نوشته شده باشد حرام است»^۲.

۳- علامه حلی در قواعد فرموده: «خرید و فروش مصحف حرام است اقامه می‌شود جلد و ورق‌های آن را معامله کرد و اگر کافر آن را خریداری کند اقرب این است که معامله‌اش باطل است، و برای نوشتن قرآن کریم دریافت دستمزد اشکال ندارد و جایز است»^۳.

۴- همچنین علامه حلی در تحریر فرموده: «خرید و فروش مصحف حرام است و معامله جلد و کاغذهای آن جایز است ولی خرید و فروش کلام خدا جایز نیست و اگر مصحف را خریداری کند و عقد بیع جاری شود بر جلد و کاغذها جایز است و در غیر این صورت به‌عنوان بیع حرام است و اگر کافر مصحف را بخرد معامله واقع نمی‌شود و بعضی از علما گفته‌اند: خرید قرآن کریم توسط کافر جایز است ولی باید او را مجبور کنند که آن را نگه ندارد و به مسلمانی بفروشد و گرفتن اجرت و دستمزد برای نوشتن متن قرآن کریم جایز است»^۴.

۵- و علامه حلی در کتاب تذکرة الفقهاء آورده است: «خرید و فروش مصحف حرام است، برای این که موجب پایین آوردن شأن

۱. النهایة، ص ۳۶۸.

۲. السرائر، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۹.

۴. تحریر الأحکام الشرعية، ج ۲، ص ۲۶۱، مسأله ۳۰۲۲.

قرآن کریم می‌شود و با بزرگداشت کتاب الهی منافات دارد و می‌توانند جلد و کاغذهای آن را معامله نمایند - سپس دو روایت را در مورد این مطلب نقل می‌کند - و می‌گوید: گرفتن دستمزد برای نوشتن متن قرآن کریم جایز است...»^۱.

۶- و نیز علامه حلی در کتاب نه‌ایة الاحکام می‌فرماید: «خرید و فروش مصحف حرام است، فقط جلد و کاغذهای آن معامله می‌شود. برای این‌که علما آن را ممنوع کرده‌اند و مخالفی برای این نظر سراغ ندارم و برای این‌که مصحف شامل کلام الهی می‌باشد و حفاظت کردن از معامله آن که دون شأن قرآن می‌باشد واجب است. - پس از آن حدیثی را ذکر می‌کند - و می‌فرماید: خریدن قرآن کریم حکمش ساده‌تر از فروختن آن می‌باشد برای این‌که نجات دادن مصحف است از دست کسی که می‌خواهد آن را بفروشد و خریدار مال خود را در این راه صرف می‌کند و می‌بخشد، و گرفتن دستمزد برای نوشتن متن قرآن کریم جایز است برای این‌که درآمد آن مباح و بلا اشکال می‌باشد پس جایز است که عوض این کار را دریافت نماید، بله نوشته و نقش‌های تزیینی برای قرآن کریم با استفاده از طلا حرام است»^۲.

۷- شهید در کتاب دروس فرماید: «خرید و فروش خط و نوشته قرآن کریم حرام است ولی معامله آنچه خط بر روی آن نوشته شده اشکالی ندارد، و معامله کتاب‌های روایت و احادیث و علوم، مباح و جایز است»^۳.

۱. تذکره الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۴۵، مسأله ۶۵۱.

۲. نه‌ایة الاحکام، ج ۲، ص ۴۷۲.

۳. الدروس الشرعية، ج ۳، ص ۱۶۵.

۸- محقق ثانی قول علامه در قواعد را حاشیه کرده و فرموده: «خرید و فروش مصحف به استناد نصوص کتاب و سنت حرام است»^۱.

۹- صاحب کتاب حدائق گفته است: «عده زیادی از علما و فقها تصریح کرده‌اند که خرید و فروش مصحف جایز نمی‌باشد و فقط معامله کاغذها و جلد و مانند آنها که کتاب را با آن درست کرده‌اند اشکالی ندارد و روایات زیادی بر این مطلب دلالت دارد...»^۲.

۱۰- شیخ جعفر کاشف الغطاء در کتاب شرح القواعد فرموده: «خرید و فروش هر چیزی که برای نوشته‌های قرآن کریم به کار رفته باشد حرام است، اعم از اینکه جوهر و ماده مورد استفاده برای نوشته باشد یا کلمات و ملحقات آنها مثل حروف و مدّها و تشدیدها و غیره و فرقی ندارد که نوشته‌ها در کنار همدیگر و جمع باشند یا جدا و متفرّق شده باشند و یا اینکه در اوراق جداگانه باشند برای اینکه زیر عنوان و اسم مصحف قرار می‌گیرد، قطع داریم به شمول حکم در مورد کلّ آنچه نوشتن قرآن بر آن صدق می‌کند و معاوضه بر آن حرام است، چه اینکه ورق‌های جداگانه و مستقل باشند یا به وسیله جلد و کاغذ و مانند آن به همدیگر ضمیمه و متصل شده باشند، و نام‌های خدای متعال و صفات خاصه خداوند نیز قویاً به نظر می‌رسد که همین حکم را دارند و نیز آیات قرآن کریم که در کتاب‌های دیگر نوشته شده یا در سایر کتاب‌های آسمانی باشد این حکم شامل آنها نیز می‌شود ولی کتاب‌های حدیث و روایت و غیر

۱. جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۳.

۲. الحدائق، ج ۱۸، ص ۲۱۸.

آنها چنین حکمی در مورد آنها جاری نمی‌باشد»^۱.

قول به کراهت

و در مقابل این قول به حرمت، قول به کراهت وجود دارد که محقق سبزواری در کفایه آن را اختیار کرده و گوید: «... پس بنابراین آنچه از اخبار و روایات استفاده می‌شود کراهت است»^۲. و علامه سید مهدی بحرالعلوم طباطبایی در کتاب مصابیح^۳ از سبزواری پیروی نموده است چنان که صاحب جواهر^۴ از او نقل کرده و قول به کراهت را صاحب جواهر نیز اختیار نموده، و شاگرد صاحب جواهر، فقیه بزرگ سید علی آل بحرالعلوم^۵ نیز با جمع دیگری از علما و محققین مانند ایروانی^۶ و خویی^۷ و اردکانی^۸ و شیخ استاد^۹ ما نیز قول به کراهت را اختیار نموده‌اند و از سبزواری پیروی کرده‌اند. نقل کلمات و اقوال فقها و بزرگان علما تمام شد و آنچه در این رابطه مهم است بررسی دلایل می‌باشد که روایات و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) است و این روایات به دو گروه تقسیم شده‌اند:

۱. شرح القواعد، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲. الکفایه، ج ۱، ص ۴۴۵.

۳. متاجر کتاب مصابیح تاکنون چاپ نشده است.

۴. الجواهر، ج ۲۲، ص ۱۲۸.

۵. برهان الفقه - کتاب التجارة، ص ۵۲.

۶. حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۳۰۴.

۷. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۸۵.

۸. غنیه الطالب، ج ۱، ص ۲۴۵.

۹. إرشاد الطالب، ج ۱، ص ۳۰۷.

روایات

گروه اول: روایاتی که بر حرمت بیع مصحف دلالت دارد:

روایت اول: موثقه سماعه عن أبي عبدالله عليه السلام قال: سألته عن بيع المصاحف وشرائها؟ فقال: لا تشتري كتاب الله، ولكن اشترى الحديد والورق والدفنين، وقل: أشتري منك هذا بكذا وكذا.^۱

موثقه سماعه از امام صادق عليه السلام است که می‌گوید از ایشان در مورد خرید و فروش مصحف پرسیدم، فرمودند: کتاب خدا را خریداری نکن ولی ورق و کاغذها و جلد آنها را خریداری کن و به فروشنده بگو این وسایل را به فلان قیمت از تو خریدم.

روایت دوم: معتبره عبدالرحمن بن سیابه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: إنَّ المصاحف لن تشتري، فإذا اشتريت فقل: إنَّما اشترى منك الورق، وما فيه من الأديم وحليته وما فيه من عمل يدك بكذا وكذا.^۲

کلمه «أديم» که در روایت به کار رفته به معنی پوست دباغی شده است و در نسخه‌ای «أدم» آمده است که به معنی باطن پوست و ظاهر آن معنی شده است.

معتبره عبدالرحمن بن سیابه از امام صادق عليه السلام است که می‌گوید: شنیدم که ایشان فرمودند: مصحف خریداری نمی‌شود، پس وقتی خرید می‌کنی به فروشنده بگو که به‌راستی من از تو ورق‌ها و چیزهای دیگر کتاب مثل جلد و تزیین‌ها و مزد کاری که کرده‌ای را به

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۵۸، ح ۲، الباب ۳۱ من أبواب ما یکتسب به.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۵۸، ح ۱.

فلان قیمت خریدم.

در کتاب کافی^۱ عبدالرحمن بن سلیمان به جای عبدالرحمن بن سیابه آمده که ابن سلیمان مجهول است و سند روایت به واسطه او ضعیف می‌شود.

روایت سوم: موثقه بل صحیحہ عثمان بن عیسیٰ قال: سألته عن بيع المصاحف وشرائها؟ فقال: لا تشتري كلام الله، ولكن اشتر الحديد والجلود والدفتر، وقل: أشتري هذا منك بكذا وكذا.^۲

موثقه بلکه صحیحہ عثمان بن عیسیٰ که گفته است از او در مورد خرید و فروش مصحف پرسیدم، فرمودند: کلام خدا را خریداری نکن ولی جلد‌ها و اوراق و دفتر و کاغذهای آن را خریداری کن و به فروشنده بگو این را از تو به فلان قیمت خریدم.

این روایت مضمرة است زیرا تصریح به نام امام (علیه السلام) در آن نشده است ولی مضمّر بودن آن یعنی به کار بردن ضمیر به جای اسم امام معصوم ایرادی برای روایت ندارد زیرا عثمان بن عیسیٰ از فقها و اصحاب اجماع است که از غیر امام معصوم قطعاً حدیث و روایت نقل نمی‌کنند، علاوه بر اینکه شیخ کلینی سند این روایت را در کافی^۳ شریف، بدون اضمار این چنین نقل می‌کند: از عده از احمد بن محمد از عثمان بن عیسیٰ از سماعه از امام صادق (علیه السلام) این روایت را نقل کرده است؛ پس سند به نقل کلینی موثق است و اضماری در آن وجود ندارد.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۱، ح ۱.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۵۸، ح ۳.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۱، ح ۲.

روایت چهارم: خبر عبدالله بن سلیمان و مضمهرته قال: سألته عن شراء المصاحف؟ فقال: إذا أردت أن تشتري فقل: أشتري منك ورقه وأدیمه وعمل يدك بكذا وكذا.^۱

خبر عبدالله بن سلیمان که مضمهره اوست و می گوید: از او در مورد خریدن مصحف سؤال کردم. فرمود: موقع خریداری به فروشنده بگو ورقه‌ها و جلدها و دستمزد کاری که انجام داده‌ای را به فلان قیمت خریدم.

روایت پنجم: حسنة جراح المدائني عن أبي عبدالله عليه السلام في بيع المصاحف، قال: لا تبع الكتاب ولا تشتريه، وبع الورق والأدیم والجلد.^۲

حسنة جراح مدائنی از امام صادق عليه السلام در مورد خرید و فروش مصحف است که فرمود: کتاب قرآن کریم را خرید و فروش نکن و اوراق و پوست و جلد آن را معامله کن.

روایت ششم: خبر سماعة بن مهران قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: لا تبيعوا المصاحف فإن بيعها حرام. قلت: فما تقول في شرائها؟ قال: اشتر منه الدفتين والحديد والغلاف، وإيّاك أن تشتري منه الورق وفيه القرآن مكتوب فيكون عليك حراماً وعلى من باعه حراماً.^۳

خبر سماعة بن مهران است که گفت: شنیدم امام صادق عليه السلام

۱. وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۵۹، ح ۶.

۲. وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۵۹، ح ۷.

۳. وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۶۰، ح ۱۱.

می‌فرمود مصحف را معامله نکنید که بیع آن حرام است. گفتم: در مورد خریدن آن چه می‌فرمایید؟ فرمود: جلدها و ورق‌ها و غلاف آن را خریداری کن و برحذر باش از اینکه ورقی که قرآن در آن مکتوب است را خریداری کنی که برای تو که خریده‌ای حرام است و برای فروشنده هم حرام است.

سند این روایت با بودن ابی عبدالله رازی که او محمد بن احمد جامورانی است ضعیف می‌باشد چون قمی‌ها آن را تضعیف کرده‌اند و از رجال کتاب نوادر الحکمة استثنا نموده‌اند و همچنین در سند روایت حسن بن علی ابن ابی حمزه وجود دارد و او واقفی پسر واقفی است و ضعیف است. و اگر در سند روایت پدر او یعنی علی بن ابی حمزه به جای پسر باشد همان‌گونه که در کتاب تهذیب^۱ شیخ طوسی آمده است، ضعف سند روایت ظاهر است. بنابراین تعبیر به موثقه برای این روایت که شیخ اعظم انصاری^۲ و محقق ایروانی^۳ دارند ناتمام است، چنان‌که بعضی از محققین و اعلام مانند آیه‌الله خوبی^۴ و آیه‌الله سید صادق روحانی^۵ و شیخ استاد ما آیه‌الله میرزا جواد تبریزی^۶ این مطلب را آگاهی داده‌اند.

روایت هفتم: مرسلۃ القاضي نعمان المصري عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال: لا بأس أن يكتب بأجر، ولا يقع الشراء على كتاب الله،

۱. التهذیب، ج ۷، ص ۲۳۱.

۲. المكاسب، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳. حاشیة المكاسب، ج ۱، ص ۳۰۳.

۴. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۴۸۴.

۵. منهاج الفقاهة، ج ۲، ص ۲۸۷.

۶. إرشاد الطالب، ج ۱، ص ۳۰۵.